معنای خفاء در حرف جیم

این برای معنای لغت «لوح» بود که شاید این معنا را داشته باشد؛ مقابل «سجل» است. سین و جیم و لام. من احتمال نوع لغاتی که سین و جیم در آن هست، یک نوع مشتمل بر خفاء است. خفاء در آن هست. مخصوصاً جیم این خفاء را می‌آورد. نوع خاصی از خفاء است. «سجل» هم همینطور است. فرق «سجل» با «لوح» این است؛ طومار است. وقتی روی پارچه می‌نویسند، قرار نیست مثل یک سنگ یا تابلو باشد. آن را می‌پیچند. طومار را می‌پیچند. این «سجل» می‌شود. در مقابل «لوح». «لوح» سفت است؛ پهن است؛ عریض است. در آن کتابت صورت می‌گیرد و بُعد سفتی دارد. «سجل» بُعد دارد، «سین» این حالت را به آن می‌دهد، ولی در «جیم»، آن حالت اختفاء هست. «سجن»، «سجل»، «سجف»، «سجر». مرحوم آقای مصطفوی ذیلش می‌گویند که اینها در اشتقاق کبیر خیلی نزدیک هم هستند. «سجین» که مبالغه در سجن است. «دار سجین» یعنی بسیار عمیق و مخفی و گود است. عمق خفاء و ظلمات است. «كَلّا إِنَّ كِتابَ الْفُجّارِ لَفي سِجّينٍ وَ ما أَدْراكَ ما سِجّين»[1].

«سجیل» هم همینطور است؛ «حِجارَةً مِنْ سِجّيلٍ مَنْضُودٍ»[2]. «مسجی» هم اینچنین است؛ «هذا المسجی قدامنا» که در نماز میت می‌خوانند.

شاگرد: «سجده» هم باید چنین حالتی داشته باشد.

استاد: بله؛ آن هم حالتی است که مخفی می‌شود.

علی ای حال، قبل از این هم عرض کرده بودم که این، یک علمی بسیار غامض است. وقتی انسان به دنبالش راه می‌افتد، می‌بیند از اول تا آخرش بافتنی نیست. این را چندبار دیگر هم عرض کردم. از بس غامض است، بافتنی جلوه می‌کند. بعد که گسترده شد، واضح می‌شود. لذا گفتم ان شاء اللّه حوزه‌ها همت کنند و از هوش مصنوعی امروزی هم استفاده کنند در پیشرفت این علم اشتقاق. پیشرفت این علم لغت که مطالب بسیار خوبی از آن در می‌آید.

شاگرد: «لوح»، خلاف «سجل» شد. یعنی در یکی ظهور هست و در دیگری نیست.

استاد: بله.

اشاره به‌معنای «طی» در حدیث جاثلیق

شاگرد۲ : «سجل» پارچه‌ای است که پیچیده می‌شود؟

استاد: بله؛ طومار مانند است. این آیه، خیلی مهم است؛ دنبالش آیه، مهم است. آیه فقط نمی‌فرماید که «یوم نطوی السماء»؛ [بلکه می‌فرماید:] «يَوْمَ نَطْوِي السَّماءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَما بَدَأْنا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعيدُهُ»[3]؛ آیه شریفه، بدء و ختم را به هم مربوط می‌کند. الآن هم یادم آمد. در همین کتاب مبارک توحید صدوق هست. حدیث جاثلیق را شاید بالای پنجاه بار تکرار کرده‌ام. کتاب سلمان، ثانی ما صنف فی الاسلام [است]. از چیزهایی که در آن حدیث هست و مفصل است، مرحوم صدوق هم فرموده بودند من در کتاب النبوه، کل حدیث را آورده‌ام، [فعلا] تکه کوچکی از آن، در توحی

صدوق نقل شده است. سؤال از همین آیه است. پرسید[4] مگر در قرآن «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ» نیست؟! امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: هست. گفت: پس «فأين تكون الجنة و النار»؟! اگر مطوی می‌شود، به‌شتی‌ها که نمی‌خواهند بین شیء پیچیده شده بورود، بنابراین چطور می‌شود؟ گوی در ذهن او این بود که «نطوی»، محو است و از بین رفته است. حضرت علیه السلام، برای او، همین آیه را توضیح دادند. طومار را آوردند و آیه عذاب و رحمت را نوشتند، بعد فرمودند حال آنها کجا است؟! یعنی وقتی طی، سجل می‌شود، کتاب جایی نمی‌رود. نحوه ظهورش تفاوت می‌کند. اگر سجل را باز کنید، یک جور است؛ «وَ إِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ»[5]، اما یکوقتی است که همان طومار پیچیده شده اما کتاب‌هایش که جایی نرفته است. همه‌اش موجود است. «وَ كُلَّ إِنْسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ كِتاباً يَلْقاهُ مَنْشُوراً»[6]؛ باز شده است. «فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ»[7]؛ این «رق» هم خیلی مناسب بحث ما است. «رق» نزدیک به «لوح» است یا نزدیک به «سجل» است؟

شاگرد: «لوح».

استاد: به ذهنم نزدیک «سجل» است.

شاگرد: به قرین «رق منشور» گفتم.

استاد: ما لوح منشور نداریم. چون قوامش به این است؛ لوح که منشور ندارد. اما «رق» پوست است. اگر پوستی باشد که خشک شده باشد و به‌صورت سنگ و چوب درآمده باشد، لوح است. اما پوست‌هایی که نوشته می‌شده و خیلی لطیف بوده است، شاید الآن در موزه‌ها باشد، پوست‌های خیلی قدیمی که به‌عنوان نوشته از آنها استفاده می شده است، می‌پیچیدند و می‌فرستادند. در این ناحیه، خیلی نزدیک هم هستند. حال باز هم مراجعه می‌کنیم.

شاگرد۲: در «رق» هم مثل «سجل»، پیچیده شدن هست؟

شاگرد: «رق» برای لطافتی که فرمودید، نیست؟ «رقت»، «رقیق».

استاد: «کتاب مرقوم». «فی رق منشور». آیا در لغت «رق» پیچیده شدن هست یا نه. الآن چیزی در ذهنم نیست. اولی که گفتید، یک ارتکاز ما آمد، اما با شواهدی قوی نشد.

---

[1]. المطففین، آیات ۷و ۸.

[2]. هود، آیه ۸۲.

[3]. الانبیاء، آیه ۱۰۴.

[4]. دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 2، ص 310: « فأخبرني عن قوله تعالى جل ثناؤه- يوم تبدل الأرض غير الأرض جميعا قبضت [قبضته] يوم القيامة و السماوات مطويات بيمينه سبحانه و تعالى عما يشركون فإذا طويت السماء و قبضت الأرض فأين تكون الجنة و النار

فيهما قال فدعا بدواة و قرطاس ثم كتب فيه الجنة و النار ثم درج القرطاس و دفع إلى النصراني و قال له أ ليس قد طويت هذا القرطاس قال نعم قال فافتحه قال ففتحته قال هل ترى آية النار و آية الجنة أ محاهما طي القرطاس قال لا...».

[5]. التكوير، آی ۱۰.

[6]. الاسراء، آی ۱۳.

[7]. الطور، آی ۳.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 اکتبر 2025 15:09:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 اکتبر 2025 16:19:06 توسط ... .